

تیتراهای امروز

هشدار انتخاباتی
رئیس قوه قضائیه: می‌خواهند عده‌ای را که با انقلاب میانه‌ای ندارند و به دنبال منافع آمریکایی‌ها هستند، سر کار بیاورند
صفحه ۲

شبکه اختصاصی بچه‌های ایرانی از مهر
علی اکبر صالحی:
انتظار داریم آژانس بی طرف باشد
صفحه ۱۳

نگاهی به زندگی و شهادت **اویس قرنی**
گر در یمنی چوبامنی پیش منی
صفحه ۱۲

یک رسانه عربستانی علت اصلی فاجعه «جمعه سیاه مکه» را فاش کرد
پایه‌های سست جرقه‌های سعودی
سر نوشت نامعلوم ۳ زائر ایرانی
صفحات ۱۵ و ۱۶

در کوچه آفتاب

در حال و هوای شعر و اندیشه سلمان هراتی
آب در سماور کهنه
حسین قربابی

۱- یکی از تأثیرگذارترین شاعران پس از انقلاب کسی نیست جز «سلمان هراتی». سلمان یکی از ضلع‌های اخوان ثالث شعر انقلاب است که اضلاع دیگرش را قیصر امین‌پور و سیدحسین حسینی تشکیل می‌دهند. او به‌زعم عمر کوتاه ۲۷ ساله‌اش، شعرهای قابل توجهی به جامعه ارائه داد، شعرهایی که در آنها درد و فقر و اجتماع و سیاست و عشق و کلماتی از این دست، احساس تکلیف می‌کنند.

سختی‌هایی که سلمان نوجوان در مزددشت - محل تولدش - می‌گذشت و مرارت‌هایی که خانواده‌اش در همان دوران می‌کشیدند، باعث شده زندگی به پیوسته مشقاتش را در شعرهایش به تصویر بکشد و هر اهل دلی که به این تابلوها نگاه می‌کند به دوران کودکی و نوجوانی شاعر سفر کند.
«آب در سماور کهنه ریختن» یک مثل مازندرانی است که وقتی می‌خواهند از گذشته‌شان صحبت کنند و خاطرات آن دوران را روایت کنند، می‌گویند: «بیا آب در سماور کهنه بریزیم» و سلمان در شعری با عنوان «آب در سماور کهنه» بخشی از سختی‌هایی را که ذکر آن رفت در قالب یک شاعر مطالبه‌گر می‌سراید:
«من نبودم/ مادرم تیمم شد/ من نبودم/ درختان، بی‌شکوفه‌نشستند»
(آب در سماور کهنه، ص ۱۶۶)

شاعر در این شعر با خان‌ها و خان‌بازی‌ها سر جستیز دارد و به تعبیر سید شهیدان اهل قلم، دلش برای «خان‌گزیده‌ها» می‌سوزد. او مظلومیت اجدادش را اشک می‌ریزد و این بی‌عدالتی‌ها را از چشم موجود مهربانی به نام «مادر» می‌نگرد:
«برای رفوی پیراهن پاره ما/ دوبیتی و اشک کافی بود/ سوزن که به دستش می‌رفت/ نه! بر جگرم می‌رفت / کی می‌توانستم گریه کنم/ کیومرث خنان می‌گفت: دهانت را ببند/ آیا آسمان به زمین آمده است/ ما که چیزی احساس نمی‌کنیم/ بالش من سنگین بود از اشک‌های من/ با گوشه زمخت لحافم/ اشک‌هایم را می‌سزدم/ بر دامن مادرم/ اگر گندم می‌پاشیدیم/ سبزی می‌شد/ از بس گریسته بود/ آسمان تنها دوست مادرم بود»
(همان، صص ۱۶۸ و ۱۶۹)

ادامه در صفحه ۵

رونمایی از ارتباط دیپلماسی محرمانه حراج نفتی و برجام

تقسیم غنائم در لندن

نتایج استقراض سیاست خارجی از اقتصاد چیست؟



وزیر نفت و همکاران - عکس امین‌حاجی‌ایزد

استقراض سیاست خارجی از منابع اقتصادی ملی استوار است! این در حالی است که پیش از این حسن روحانی، هدف از معامله زیرساخت‌های هسته‌ای کشور را گشایش در اقتصاد عنوان کرده بود در حالی که در شکل سیاست‌ورزی مذکور، «اقتصاد نفتی» وجه‌المصالحه روابط سیاسی قرار گرفته است اما اشکالات این طرح چیست و چرا نباید با قربانی کردن اقتصاد، روابط سیاسی جهانی را دستخوش تغییر کرد؟

اشکالات اقتصاد غیر ملی و منزلزل
۱- مهم‌ترین علت منفور بودن این رفتار، ضدیت آن با مولفه‌های «اقتصاد ملی» است. با پیشکش منابع ملی، هیچ کشور مستعد و صاحب سرمایه‌ای گشایش سیاسی به بیگانه اعطا شود طبیعتاً چنین قدرت و سوسه‌انگیزی خود «فتنه‌ساز» خواهد بود. ساده‌ترین نتیجه آن را می‌توان در پایین افتادن ناگهانی قیمت نفت جهانی در دوره به قدرت رسیدن کارگزاران و نوحفاظله‌کاران هاشمیست مشاهده کرد. تغییر ژئوپلیتیک نفت در جهان با ورود نفت به کانال ۲۰ دلاری، طبیعتاً با هدف تضعیف متحدان سیاسی- اقتصادی آمریکا و اروپا صورت‌نگرفته بلکه هدف اصلی ایران و روسیه بوده‌اند که در درگاه بانگشاه قدرت‌های برتر، سهم خود را از اندوخته قدرت جهانی طلب می‌کنند. طبیعتاً روسیه به علت قدرت زیرساخت‌های اقتصادی آسیب کمتری از تغییر سیاست انرژی در جهان می‌بیند اما تکلیف ایران با ۳۶ میلیارد دلار ضرر تنها در یک‌سال چیست؟ به فرض موفقیت اجلاس لندن بسیار بعید است این رقم در یک‌سال از لابی‌های نفتی دشت شود.

۲- سیاست یادشده دقیقاً عکس روش «اقتصاد مقاومتی» است که مبنای آن تقویت زیرساخت‌های ملی اقتصاد و صنایع حداکثری از منابع و سرمایه‌های داخلی با هدف کاهش فشار خارجی است. سیاست پیشکش منافع ملی با روش ارائه پاداش بی‌مورد، ارزان‌فروشی یا عقد قرارداد دلالی غیرحقوقی، ذاتاً تحریک‌کننده حس طمع‌ورزی و رفتار استثمارگری طرف مقابل است، چرا که برآمده از «ضعف سیاسی» است بنابراین

برده بخشش منافع ملی با هدف دوام سیاسی کارگزاران غرب بسیار مهم است.
نفت بی مشتری ایران!
اخیراً مهدی حسینی، رئیس کارگروه اصلاح قراردادهای نفتی وزارت نفت در دفاع از شکل جدید قراردادهای نفتی در لندن رونمایی خواهد شد با اشاره به متضرر شدن برخی شرکت‌های بزرگ نفت و گاز پس از عقد قرارداد که به منتقلی «غیرحقوقی» و رفتار گشاده‌دستانه با شرکت‌های چندملیتی غربی مشهور شده است و دلالت سیاسی رشوه‌خواری همچون «مهدی هاشمی» از درون آن به جهان معرفی شدند؛ به این ترتیب در مجموع ایران موفق شد با ارائه نوعی از قرارداد که تقریباً دست طرف خارجی را در همه امور باز می‌گذاشت، برای سیاست خارجی دوره کارگزاران «مشتری» جلب کند. صحبت از قراردادهایی است که در صفحات آن خبری درست و درمان از تعیین «زمان» و «توجه به قیمت نفت» و «کیفیت برداشت از مخازن» و «مشکلات زیست‌محیطی» و «نحوه تأمین خسارات» نبود.

دیپلماسی محرمانه نفتی!
در همین ایام، قراردادهای بیع متقابل بخش بالادستی خصوصاً در دوره وزارت بیژن زنگنه، به بهانه واهی «عدم آگاهی شرکت‌های رقیب»، محرمانه تلقی شد و این رویه نادرست پنهانکاری موجب شد نظام تصمیم‌گیری و اجرایی قراردادهای نفتی کشور با قدرت تأثیرگذاری بر سرنوشت چندین نسل، بدون نظارت لازم سازمان‌های رسمی کشور و مردم فعالیت کند؛ به این ترتیب به واسطه «دیپلماسی محرمانه نفتی» خسارات هنگفتی به کشور وارد شد و گروهی از بالادستی‌ها صرفاً به واسطه دریافت حق دلالی میلیون دلاری به فساد اداری، اقتصادی و سیاسی مستتر در این رویه تن دادند. بررسی این قراردادها در سال‌های بعد و حتی در دولت نهم و دهم نیز کم قربانی نگرفت. از قتل چندین شاهد مهم در پرونده‌هایی همچون توتال، استات‌اویل و کرسنت بگیرد تا عزل مجموعه‌ای از مدیران اقتصادی و مفقود شدن برخی شاهمهره‌های مرتبط با رابطان دولتی همچون «مهدی هاشمی‌رفسنجانی»! اما برخلاف باور عمومی، فارغ از اهمیت پرونده فساد مالی گسترده برخی مدیران عالی‌رتبه دوره مذکور، با توجه به مفاد فاش شده از شکل جدید قراردادهای نفتی و رونمایی محرمانه از آن در لندن، مطابق دوره قبل قدرت گرفتن تیم مشترک، اهمیت «فشار پنهان» و سیاست پشت

برده بخشش منافع ملی با هدف دوام سیاسی کارگزاران غرب بسیار مهم است.
نفت بی مشتری ایران!
اخیراً مهدی حسینی، رئیس کارگروه اصلاح قراردادهای نفتی وزارت نفت در دفاع از شکل جدید قراردادهای نفتی در لندن رونمایی خواهد شد با اشاره به متضرر شدن برخی شرکت‌های بزرگ نفت و گاز پس از عقد قرارداد که به منتقلی «غیرحقوقی» و رفتار گشاده‌دستانه با شرکت‌های چندملیتی غربی مشهور شده است و دلالت سیاسی رشوه‌خواری همچون «مهدی هاشمی» از درون آن به جهان معرفی شدند؛ به این ترتیب در مجموع ایران موفق شد با ارائه نوعی از قرارداد که تقریباً دست طرف خارجی را در همه امور باز می‌گذاشت، برای سیاست خارجی دوره کارگزاران «مشتری» جلب کند. صحبت از قراردادهایی است که در صفحات آن خبری درست و درمان از تعیین «زمان» و «توجه به قیمت نفت» و «کیفیت برداشت از مخازن» و «مشکلات زیست‌محیطی» و «نحوه تأمین خسارات» نبود.

دیپلماسی محرمانه نفتی!
در همین ایام، قراردادهای بیع متقابل بخش بالادستی خصوصاً در دوره وزارت بیژن زنگنه، به بهانه واهی «عدم آگاهی شرکت‌های رقیب»، محرمانه تلقی شد و این رویه نادرست پنهانکاری موجب شد نظام تصمیم‌گیری و اجرایی قراردادهای نفتی کشور با قدرت تأثیرگذاری بر سرنوشت چندین نسل، بدون نظارت لازم سازمان‌های رسمی کشور و مردم فعالیت کند؛ به این ترتیب به واسطه «دیپلماسی محرمانه نفتی» خسارات هنگفتی به کشور وارد شد و گروهی از بالادستی‌ها صرفاً به واسطه دریافت حق دلالی میلیون دلاری به فساد اداری، اقتصادی و سیاسی مستتر در این رویه تن دادند. بررسی این قراردادها در سال‌های بعد و حتی در دولت نهم و دهم نیز کم قربانی نگرفت. از قتل چندین شاهد مهم در پرونده‌هایی همچون توتال، استات‌اویل و کرسنت بگیرد تا عزل مجموعه‌ای از مدیران اقتصادی و مفقود شدن برخی شاهمهره‌های مرتبط با رابطان دولتی همچون «مهدی هاشمی‌رفسنجانی»! اما برخلاف باور عمومی، فارغ از اهمیت پرونده فساد مالی گسترده برخی مدیران عالی‌رتبه دوره مذکور، با توجه به مفاد فاش شده از شکل جدید قراردادهای نفتی و رونمایی محرمانه از آن در لندن، مطابق دوره قبل قدرت گرفتن تیم مشترک، اهمیت «فشار پنهان» و سیاست پشت

دریافت پیام‌های شما در شبکه‌های اجتماعی

۰۹۲۱۸۳۶۴۷۹۶



یادداشت امروز

باب‌المراد فتنه و خواجگان حرمسرای الیگارش
امیر استکی

نوشتن در باب بعضی مسائل را باید بیشتر به طنزنویسان واگذار کرد. اگر نگاه به حوادث سیاسی را از اسارت جزئیات رها کنیم و نگاهی از ارتفاعی بیشتر به پازل سیاست در ایران بیفکنیم، قطعاً با تأکید بیشتر به این نتیجه خواهیم رسید که طنزنویسان بهتر حق مطلب بسیاری از رویدادهای سیاسی امروز را ادا خواهند کرد. ابزار تحلیل بسیاری از اتفاقات سیاسی این روزها باید طنز هجوآلود باشد و معنای بسیاری لغات پر مصرف سیاسیون را باید از نو و با نگاهی طنزآلود در فرهنگ‌های کلمات فارسی تغییر داد.

واژه‌هایی مانند مردم، رأی، حزب، اعتدال و... و شاید از همه مظلوم‌تر همین واژه «مردم» باشد که در عین بی‌زبانی هزاران زبان‌نابیتی دراز دارد. سیاستمداران کشور ما که اکثراً سواد درست و حسابی آکادمیک هم ندارند این روزها به مثابه جامعه‌شناسان برجسته به تشریح و تحلیل خواسته‌های جامعه مشغولند و بسیار از زبانشان می‌شنویم که مردم چنین می‌گویند! و چنان می‌خواهند و لذا چون چنین است و چنان است پس باید حزبی از اعوان و انصار پیگیر این چنین و چنان‌ها و صدای رسای مردم در نیل به اهداف و اغراض و آرزوه‌های سیاسیون مذکور باشد.

باید اجزایی ایجاد شوند تا اعتدال را در همه جای مدیریت کشور مستقر کنند و برکات این کلمه‌خجسته را بیشتر به دامن مردم سرزیر کنند. اما بحمدالله دولت کنونی دولت اعتدال است و صندلی‌های تمام مناصب بی‌شمار دولتی استراحتگاه معتدلان، پس دستان این احزاب معتدل چیست؟ اگر اشتباه نکنیم هنوز صندلی‌های بهارستان باقی است و باید این صندلی‌ها نیز نشیمنگاه معتدلان باشد. تمام دستان همین است. اصلاح‌طلبانی که سال ۸۸ به چوب طمع خام خود بر سر حوادث آن سال، از در نظام سیاسی کشور رانده شدند این بار با نقاب اعتدال در بی ورود در در پشتی‌اند. اما این در پشتی همان دری است که سال‌ها در منمذ وجودش مشغولی‌های طویل سروده بودند. وجود یک الیگارش که این حق را برای خود محفوظ می‌داند که در همه قواعد و قوانین استننا ایجاد کند.

بدنه نخبگانی اصلاح‌طلب همواره از این در تردد می‌کرد اما پیش‌ترها ژست انتقاد به وجودش را حفظ می‌کرد اما این روزها و در پی نیمه‌بسته شدن آن در ۷-۸ سال اخیر به رویشان، بشدت از وجود این در حمایت می‌کنند و دعاگوی پاسبانان این نظم منحط الیگارش‌اند. هاشمی‌رفسنجانی روزگاری مورد عتاب اصلاح‌طلبان بود، چرا که عالیجناب سرخ‌پوش را یکی از عوامل اصلی انسداد سیاسی می‌دانستند. عالیجنابی که به مثابه پاسبان نظم مرید و مرادی بر سر راه تحرک سیاسی در آخرین لحظات ورود به عرصه کامیابی ایستاده و فقط آنان را که بوی خوش خودی می‌دهند آن ورود می‌دهد.

اما امروز آن رای سرخ طعن آلود جای خود را به رای سبزی ملخ و ستایش داده است. همه بر گرد این پیر طریقت جمع شده‌اند تا ذکری بیاموزند و قربی بیابند. ذکر این روزها اعتدال است. ذکر و وردی که اگر چندین بار تکرار شود، بر هر چه که فوٹش کنند، یگبار مرهمی می‌شود و فتخ‌الفتوحی.

رسیدن به قدرت باعث شده دوباره آنان که زمانی مورد غضب یکدیگر بودند و بعدها به واسطه یک دشمن مشترک پای سفره فتنه نشستند و گوشکوب آبیگوشت جمهوریت شدند تا مگر بتوانند اقتصاد و سیاست را از سر ایران کم نمی‌کنند و ادبیات بین‌المللی در برخورد با ایران را بهبود نمی‌بخشد. در نتیجه سرمایه‌گذاران خارجی همواره سود و منافع اقتصادی خود را زیرسایه تهدید عنوان خواهند کرد و پاداش بیشتری می‌خواهند!

- دلالتان نفتی که به واسطه رفتار سیاسی دولت با موضوع اقتصاد، قدرتی بیش از همیشه در ایران یافته‌اند، سهم خود از سیاست و اجتماع ایران را طلب می‌کنند. نتیجه اینکه عینا همان فاجعه‌ای که با همکاری برخی سیاستمداران پشت پرده در دولت قبل در بازار ارز و سکه سربرآورد با دیرکرد پرداخت حق دلالی کفتران شریک معامله، رخ خواهد داد. هم‌اکنون نیز بانک مرکزی از توان مدیریت بانک‌ها و بازار ارز ناتوان است و دقیقاً معلوم نیست چه کسانی بازار را اداره می‌کنند!

موارد یادشده ابتدایی‌ترین نتایج شریک کردن دلالتان نفتی در اقتصاد سیاسی غیرملی است! در آینده به زوایای این پروژه آلوده خواهیم پرداخت.

سیاسی مردم و انتخابات آزاد و احزاب و... همه در این ماه‌های کم‌مانده به انتخابات مجلس، جوک‌های رنگ و رو رفتاری است که فقط ماهی نشاط جمع اعوان و انصاری است که به مددشان قرار است از در پشتی به عرصه دانشن قدرت بازگردند.